

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مبحث ششم درس فقه ۲

ارث زوجه از عقار

قطع سطح ۴ (جوزه جامعه النور)

تهیه کننده: نجمه رضوی

مفهوم واژه ها و شرایط اولیه ارث زوجه از عقار

زوجه

همسر مرد، زن، به شرط دائمی بودن و قاتل نبودن و مرتد نبودن و اینکه عقد در زمان بیماری منجر به مرگ مرد واقع نشده باشد.

ارث

ارث دارای دو تعریف مصدری و اسمی است.

ارث به معنای اسمی عبارتند از دارایی و حقوقی که فرد به واسطه مرگ یا ارتداد به جای می گذارد متراffد میراث

ارث در مفهوم مصدری، استحقاق مال یا حقی به واسطه مرگ است.

عقار

زمینی که دارای اصل باشد مثل زمین زراعی، زمینی که ساختمان و یا درختانی در آن است متراffد اموال غیر منقول
واژه های مانند ارض، ریاع و... در روایات ناظر به همین معناست

موجبات ارث

نسب

نسب

ولایت

زوجیت

رابطه های خویشاوندی مثل
ابوت و بنت ، اخوت و ..

طبقات ارث(نسبی)

فرزندان

پدر و مادر

طبقه اول

خواهر و
برادر و پایین
تر فرزندان
آنها

جداد و
بالاتر

طبقه دوم

عمو و عمه

طبقه سوم

عمه و عمو
زادگان

ارت زن و شوهر از یکدیگر

ارت زن از مرد		ارت مرد از زن	
در صورت داشتن فرزند	در صورت نداشتن فرزند	در صورت داشتن فرزند	در صورت نداشتن فرزند
۱/۸ اموال	$\frac{1}{4}$ اموال	$\frac{1}{4}$ اموال	$\frac{1}{2}$ اموال

مطلقاً (از منقولات و غیره.
منقولات) ارث می‌برد. دیدگاه
ابن جنید

تنها از قیمت عقار ارث می‌برد
نه عین آن. دیدگاه سید
مرتضی.

از عقار ارث نمی‌برد ولی از
ساختمان و وسایلش ارث می‌
که هوايی هم متعلق به آن
است.

از عقار ارث نمی‌برد.(نظر
مشهور)

دیدگاه فقهاء در مورد ارث
زن از عقار

اگر زن دارای فرزند باشد از
عقار ارث می‌برد

تفضیل قائل شده‌اند

اگر زن دارای فرزند نباشد از
عقار ارث نمی‌برد(به غیره
وسایل و...)

ادله ابن جنید اسکافی

ادله روایی

ادله قرآنی

استناد قرآنی ابن جنید برای نظر خودش

«و لکم نصف ماترك ازواجهكم ان لم يكن لهم ولد فان كان لهم ولد فلکم الرابع مما تركن من بعد وصيئه يوصين بها او دين و لهم الرابع مما تركتم ان لم يكن لكم ولد فان كان لكم ولد فلهمن الثمن مما تركتم من بعد وصيئه توصون بها او دين...» (نساء، ۱۲).

(برای شما مردان نصف ماترك زنانتان است، اگر بدون فرزند باشند، ولی اگر ذات ولد باشند، سهم شما از آن چه به جای می‌گذارند، ربع است؛ البته پس از پرداخت دیون متوفی و عمل به وصیت ایشان و زوجه غیرذات ولد از ماترك شما ارث می‌برد و زوجه ذات ولد).
کلمه «ما» در «ماترك» اسم موصول و شامل تمام اموال می‌شود، لذا اختصاص آن به برخی اموال نیازمند دلیل است. همچنین این کلمه چهار مرتبه تکرار شده و سیاق یکی است و تفاوت قائل شدن میان برخی، ترجیح بلامرجع و بدون دلیل است.

واژه لهم: اشاره به عمومیت دارد شامل همه چیز می‌شود و خاص نشده است.

استنادات روایی ابن جنید

روایت اول: «... ان الزوج لا ينقص من النصف شيئاً اذا لم يكن ولد و الزوجة لا تنقص من الرابع شيئاً اذا لم يكن ولد...» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۶، ص ۱۵۵). (زوجی که دارای فرزند نباشد، کمتر از نصف نمی‌برد و زوجه‌ای که دارای فرزند نباشد، کمتر از ۱/۴ نمی‌برد).

بنابراین اگر کسی قائل شود، زوجه از عین زمین یا چیز دیگری ارث نمی‌برد از سهمش کمتر می‌شود

استنادات روایی ابن جنید

روایت دوم

«عن ابی جعفر(ع) فی حدیث قال: ان الله ادخل الزوج و الزوجة على جميع اهل المواريث فلم ينقصها من الربع و الثمن» (همان). (امام باقر(ع) فرمود: خداوند زوج و زوجه را بر تمام طبقات وارثین وارد کرد و سهم آنها را از (حدائق سهم زوج) و (حدائق سهم زوجه) کمتر قرار نداده.

لذا اگر کسی قائل شود زن از عین برخی ماترك ارث نمیبرد، سهم زوجه از کمتر میشود.

استنادات روایی ابن جنید

روايت سوم

«عن ابی بصیر قال قرأ علی ابو جعفر (ع) رجل توفی و ترك امرأته قال: للمرأة الرابع و مابقی فلامام(ع)» (همان، ص ۲۰۳). (از امام باقر و صادق (ع) نقل شده، چنانچه مردی فوت کند و تنها وارثش زوجه باشد، سههم زوجه است و مابقی اموال در حکم مال بلاوارث تحويل امام می‌شود). در این روایات برای سههم زوجه قیدی معین نشده، لذا نمی‌توان آن را مقید به غیرزمین نمود، بلکه به طور کلی می‌فرمایند سههم زوجه است و استثنایی قائل نشده‌اند. حال اگر ارث بردن زوجه از عین ارض، عقار و امثال آن جایز نبود، باید استثناء آن بیان می‌شد.

اطلاق و بدون قيد آوردن، دليلی بر ارث بردن از همگی اموال منقول و غیر منقول است.

استنادات روایی ابن جنید

روایت چهارم

عن ابی بصیر عن ابی عبد‌الله(ع) فی امراء ماتت و ترکت زوجها قال:
المال کله له، قلت فالرجل یموت و یترک امراته قال: المال لها»
(همان، ج ۶، ص ۲۰۳). (امام صادق(ع) در مورد زوجهای که فوت
کرده و شوهر تنها وارث وی می‌باشد فرمود: همه اموال زوجه به
شوهر می‌رسد، راوی می‌گوید: اگر مرد فوت کند و زن تنها وارث
باشد، چه باید کرد؟ امام فرمود: تمام مال به زوجه می‌رسد). این
روایت هم علاوه بر سهم زوجه، مابقی اموال شوهر متوفی را در
مالکیت زوجه دانسته است. به همین مضمون حدیث دیگری نیز نقل
شده است.

استنادات روایی ابن جنید

روایت پنجم

الفضیل بن یسار البصیری قال: سالت اباالحسن الرضا (ع) عن رجل مات و ترک امرأهٔ قرابهٔ لیس له قرابهٔ غیرها قال: یدفع المال کله الیها» (همان، ج ۲۶، ص ۲۰۵). (فضیل از امام رضا(ع) سؤال کرد مردی فوت می‌کند و تنها وارث او همسرش می‌باشد که نسبت فامیلی هم با وی دارد امام فرمود: تمام ماترک زوج به زوجه داده می‌شود).

این روایت را استاد وارد در این بحث ندانستند چون زن علاوه بر رابطه زوجیت، خویشاوند هم هست و بواسطه رابطه خویشاوندی ارث می‌برد.

ابن جنید با استناد به آیه سوره نساء و مجموع روایات معتقد است: «زوجه سهم خود را (یا) از عین ماترک ارث می‌برد

ادله سید مرتضی(ره)

سید مرتضی معتقد است: «زوجه تمام یا سهم خود را از عین برخی ماترک و از قیمت برخی دیگر به ارث می‌برد». در نظریه سید مرتضی از سهم زوجه چیزی که نمی‌شود، منتهی یا از اراضی و ابنيه از جهت قیمت به وی پرداخت می‌شود (سیدمرتضی، ۱۴۱۵ق: ص۵۸۵). وی معتقد است راه جمع بین حفظ ظاهر کتاب که به زن و ارث می‌رسد و روایاتی که زن را از برخی اموال غیرمنقول محروم ساخته، این است که سهم زن را از قیمت اموال غیرمنقول پرداخت می‌نمایند؛ همانطور که در مسئله «حبوه» (ارث اختصاصی پسر بزرگتر از برخی اموال) چنین استدلال کرده است.

ادله نظر مشهور

نظرات صاحب جواهر
مرحوم سبزه واری
شهید ثانی

- .1 اطلاقات و عمومات
- .2 اصل عدم اختصاص
- .3 ادله روایی (۱۷ روایت داریم که ۵ تا ذکر شد)
- .4 اجماع

دلیل اول قول مشهور اطلاقات و عمومات

در کتاب مهدب و جواهر در مورد اطلاقات و عمومات چنین آمده است که:

مقتضی اطلاقات و عمومات موجود در آیه ۱۲ سوره نساء ، این است که زوجه از تمامی اموال شوهر، چه منقول و چه غیر منقول ارث می برد. البته اگر مخصوص منفصلی وارد شود در این هنگام تمسک به عام جایز نیست. چون تمسک به عام در شبکه مصدقیه جایز نیست.

دلیل دوم قول مشهور عدم اختصاص

مرحوم سبزه واری معتقد است که در مورد میراث اصل اولیه، عدم اختصاص میراث به چیز خاصی است مگر آنکه دلیل داشته باشیم. و این اصل عدم اختصاص بر استصحاب تقدم دارد.

(در استصحاب یک یقین سابق داریم و یک شک لاحق، یقین ما در این مساله آنست که بواسطه مرگ شوهر، دیگر اموال از ملکیت او خارج شده است و شک لاحق ما آنست که آیا این انتقال ملکیت برای همه وارثین (از جمله همسر متوفی) است یا بعضی از آن ها)

در اینجا اصل عدم اختصاص بر استصحاب مقدم است مگر آنکه دلیلی داشته باشیم. یعنی زوجه همه اموال را مانند سایر وراث به ارث می برد مگر دلیل خاصی بر خروج او از این دلیل داشته باشیم.

دلیل سوم قول مشهور استناد به روایات

در این قسمت ۱۷ روایت وجود دارد که مشهور فقرها برای اثبات نظر خودشان به آنها تمسک می کنند. که ۵ مورد از آن ها در قسمت ادله نظریه ابن جنید آورده شده است.

ادامه روایات مورد استنادات در بحث عقار

- .6 «...عن محمد بن مسلم عن الباقر (ع) «النساء لا يرثن من الأرض ولا من العقار شيئاً» (حرعاملى، ١٤١٤ق: ج ٢٦، ص ٢٠٧). (امام باقر(ع) فرمود: زنان از زمین و از عقار[۱] ارث نمی‌برند).
- .7 «...عن زرارة عن الباقر(ع): «لاترث النساء من عقار الأرض شيئاً» (همان، ص ٢٠٨) امام باقر (ع) فرمود: زنان از عقار زمین ارث نمی‌برند).
- .8 «...عن عبدالملک بن اعين عن احدهما عليهما السلام قال: ليس للنساء من الدور و العقار شيء» (کلینی، ١٣٨٨ق: ج ٧، ص ١٢٩). (امام باقر یا امام صادق عليهما السلام فرمود: زنان از خانه‌ها و عقار بهره‌ای ندارند).
- .9 از عبدالملک نقل شده که امام باقر (ع) کتاب امام علی (ع) را خواست فرزندش جعفر آن کتاب را که مانند ران مرد قطور بود، آورد. در آن آمده: زنان از عقار مرد پس از مرگش هیچ بهره‌ای ندارد، سپس امام باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند این دست خط امام علی(ع) و املای پیامبر(ص) است[۲] (حرعاملى، ١٤١٤ق: ج ٢٦، ص ٢١١، ح ١٧).

امام باقر (ع) فرمود: زن از قریه‌ها، خانه‌ها، سلاح و چهارپایان شوهرش ارت نمی‌برد و از مال، فرش، لباس‌ها و اثاث خانه ارت می‌برد. مصالح ساختمانی، درب‌ها، چوب‌ها و حصیرها قیمت شده و حق زوجه از آنها داده می‌شود). شیخ طوسی همین حدیث را با سند دیگری از امام صادق(ع) روایت کرده است^[۳] (طوسی، ۱۳۶۳: ص ۱۵۳؛ همان، ج ۲۶، ص ۲۰۵).

از امام صادق(ع) پرسیدند: زنان از میراث چه بهره‌ای دارند، امام فرمود: از قیمت آجر، ساختمان، چوب و حصیر ارت می‌برند، اما میراثی در زمین و عقار ندارند. راوی می‌گوید پرسیدم: دختران چه؟ (در برخی نسخه‌ها به جای فالبنات فالثیاب دارد که امام فرمودند از لباس‌ها ارت می‌برند) امام فرمود: دختران از زمین و عقار ارت می‌برند، پرسیدم چگونه است، در حالی که زن یا سهم الارث دارد؟ امام فرمود: برای اینکه زن با این خاندان بیگانه است و نسبتی ندارد که به سبب آن ارت ببرد. این حکم (محرومیت زن از زمین) بدان جهت است که شاید زن با فرد دیگری ازدواج کند و شوهر یا فرزندان وی که از قوم دیگری هستند، مزاحم زمین و عقار ورثه شوند) (کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۷، ص ۱۳۰؛ حرعاملی، ۱۴۱ق: ج ۲۶، ص ۲۰۷ و ۲۰۶). این حدیث را طوسی و صدوق نیز روایت کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۵۲-۱۵۱؛ صدوق، ۱۳۶۱ق: ج ۴، ص ۳۴۶).

برخی از امام باقر برخی از امام صادق و برخی از یکی از آن دو امام (علیهم السلام) نقل کرده‌اند که فرمود: زوجه از خاک خانه یا زمین ما ترک شوهر ارت نمی‌برد، فقط آجر و چوب قیمت‌گذاری می‌شود و یا سهم زوجه به او داده می‌شود^[۴] (حرعاملی، ۱۴۱ق: ج ۲۶، ص ۲۰۸-۲۰۷؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۷، ص ۱۲۸)

امام صادق (ع) فرمود: زنان از زمین خانه‌ها ارث نمی‌برند، ولی ساختمان و آجر قیمت شده و یا قیمت آنان پرداخت می‌شود، زیرا ممکن است زن با شخص دیگری ازدواج کرده و میراث ورثه را بر آنان تباہ سازد^[۵] (حر عاملی، ۱۴۱ق: ج ۲۶، ص ۲۰۸؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۷، ص ۱۲۹).^{.13}

امام صادق (ع) فرمود: برای زنان از آن جهت قیمت چوب و ساختمان قرار داده شده که مبادا ازدواج کرده و بیگانه‌ای را بر ورثه وارد کرده و میراث آنان را تباہ سازند^[۶] (حر عاملی، ۱۴۱ق: ج ۲۶، ص ۲۰۹؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۷، ص ۱۲۹). همین روایت را شیخ صدوق به سند دیگری نقل کرده است (صدوق، ۱۳۶۱ق: ج ۴، ص ۳۴۸).^{.14}

به زراره گفتم: بکیر از امام باقر (ع) این حدیث را روایت کرد که زن از خاک خانه و زمین بجا مانده از شوهرش ارث نمی‌برد، فقط ساختمان، تیر و چوب خانه قیمت شده و بهره او از قیمت ساختمان داده می‌شود، اما از خاک چه خانه و چه زمین چیزی به زن داده نمی‌شود. زراره گفت: در این هیچ شکی نیست^[۷] (طوسی، ۱۳۶۴ق: ج ۹، ص ۳۷؛ طوسی، ۱۳۶۳ق: ج ۴، ص ۱۵۴؛ حر عاملی، ۱۴۱ق: ج ۲۶، ص ۲۱).^{.15}

.¹⁶ امام صادق (ع) فرمود: زنان از عقار ارث نمی‌برند و از قیمت ساختمان و درختان ارث نمی‌برند. مقصود امام (ع) از «بنا» خانه و از نساء «زوجه» است[۸] (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۶، ص ۳۱۱؛ صدوق، ۱۳۶۱ق: ج ۴، ص ۳۴۸).

.¹⁷ امام رضا (ع) ضمن پاسخ سؤال‌های محمدبن سنان نوشت: علت این که زوجه از عقار جز از قیمت آجر و مصالح ساختمانی اش چیزی ارث نمی‌برد این است که عقار تغییر نمی‌کند ولی زن ممکن است رابطه زوجیت میان او و شوهرش گستته شود و تغییر و تبدیل وی جایز است. اما پدر و فرزند چنین نیست و نسبت میان آنها گست ندارد، در حالی که زن را می‌توان تبدیل کرد پس اگر تشابه‌ی باشد آن که آمدنی و رفتني است، میراث او نیز از اموال تغییر و تبدیل پذیر است و آن که ثابت و ماندنی است میراث او از اموال ثابت و مستقر است[۹] (طوسی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۵۳؛ صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۵۷۲؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۶، ص ۳۱۱).

نحوه استنادات به روایات

مشهور فقهاء برای تبیین قول خویش چنین استناد کرده اند که: ظاهر و اطلاق آیه ای که سهم الارث زوجه را مشخص می نماید به وسیله روایاتی که به حد توواتر معنوی رسیده و ۱۷ دسته از آنان بیان گردید؛ تخصیص زده است.

پس آیه قرآن در مورد میزان و نحوه سهم الارث زوجه تخصیص خورده است زیرا روایات صحیح می باشند و نمی توان از آنها چشم پوشی نمود. البته در این که زوجه از عین و قیمت برخی اموال و از عین نه قیمت برخی دیگر از اموال محروم می شود؛ بین فقهاء اختلاف نظر می باشد. اما نکته مهم این است که فقهاء اشکالات اساسی بر مخصوص بودن این روایات وارد کرده و در پایان بحث به مخصوص بودن این روایات فی الجمله فتوی داده اند

دلیل چهارم قول مشهور اجماع

صاحب جواهر می‌نویسد: «فی المحکی عن کشف الرموز انه قول متروک بل عن غایة المراد بعد ان حکی اجماع اهل البيت علی حرمان الزوجة من شيء ما و انه لم يخالف فيه الا ابن الجنید قال: وقد سبقه الاجماع و تأخر عنه و نحو ذلك عن المذهب و غایة المرام» (نجفی، ج ۱۳۶۷ق: ۲۹، ص ۲۰۷).

(اطلاق ادله آن است که زوجه مطلقاً ولو فرزندی از شوهر متوفی نداشته باشد، سهم خود را از جمیع ماترک زوج ببرد، ولی عبارت نقل شده در کتاب کشف الرموز گویای این است که ارث بردن زوجه از تمام ماترک زوج نظر متروکی است، بلکه در کتاب غایة المراد پس از حکایت اجماع اهل بیت (ع) بر محرومیت زوجه فی الجمله از برخی ماترک زوج می‌نویسد: مخالفی بر این نظر نیست، مگر ابن جنید (به نظر ابن جنید هم اعتنایی نیست): زیرا قبل و بعد از وی مطلب اجماعی بوده؛ صاحب المذهب و غایة المرام نیز چنین ادعای کرده‌اند.

این ادعای اجماع توسط مرحوم سبزه واری در کتاب مذهب نیز ذکر شده است :
تقید العمومات و الاطلاقات ، الواردتين فی الكتاب بما تقدمت من النصوص ، مضافا الى الاجماع
فی المقام النتيجه حرمانها من مطلق الأرض.....

نقد ادله قول مشهور

در استندات به آیه قرآنی مورد نظر یعنی آیه ۱۲ سوره نساء که قید و تخصصی نوشته نشده است و مانند استندات ابن جنید از الفاظ ما و لhen چنین برمی آید که آیه اطلاق داشته و تفصیلی بین اموال منقول و غیر منقول داده نشده و زن از همه اموال حتی از عین عقار هم ارث می برد.

حال باید دید آیا قرینه های دیگری مثل روایات قابلیت تخصیص این آیه را دارند یا خیر؟ و یا باید مثل سید مرتضی قائل به تفصیل گشت.

نقد ادله قول مشهور

نقد اجماع مورد نظر مشهور

آیت‌الله شاهروdi در نقد اجماع اقامه شده می‌نویسد: «آنچه از سخنان فقهای پیشین به دست می‌آید و می‌توان ادعای اجماع بر آن کرد، فقط اصل محرومیت زوجه بدون فرزند از عین رباع (خانه و ملک مسکونی) است و شامل قیمت نمی‌شود. اگر مسئله اجماعی می‌بود، چگونه فقیهی مانند سیدمرتضی مراد روایات را حمل بر محرومیت زوجه از عین رباع و نه از قیمت آن کرده است؟ اگر مسئله اجماعی و قطعی بود، چنین حملی وجهی نداشت؛ همچنین اگر اجماع در این مسئله باشد، این اجماع مسبوق به روایات بسیار است... که این گونه اجماع‌ها اگر قطعاً مدرکی نباشد، حداقل احتمال مدرکی بودن آنها می‌رود. شاهد این مدعای آن است که سیدمرتضی در صدد جمع میان روایات محرومیت زوجه از ارث زمین و ظاهر آیات قرآن کریم برآمده و به محرومیت زوجه فقط از عین (نه قیمت) فتوی داده است. همچنین عبارات شیخ طوسی در استبصار، تهدیب و شیخ صدق در الفقیه که وجوه جمع میان روایات متعارض را بیان کرده‌اند، شاهدی است که مبنای این مسئله، روایات است و اجماع نیست» (شاهروdi، ۱۳۸۶: ش ۴۹، صص ۱۵-۱۴)

نقد ادله قول مشهور

اولین ایراد به دلالت روایات: دسته بندی روایات به ۱۷ دسته با توجه به شباهت لفظی و محتوایی کار صحیحی نیست و میتوان این روایات را در ۲ یا سه دسته کلی تقسیم کرد:

دسته بندی ۳ تایی: الف) روایاتی که دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و مطلق زمین دارد. (روایت ششم).
ب) برخی دلالت بر محرومیت زوجه از ارث ساختمان شده باشد. (روایت اول و دوم)
ج) در بعضی روایات برای ارث زوجه تفصیل قرار داده اند که زوجه از خانه، عقار و زمین ارث نمی برد، ولی از قیمت ساختمان، آلات و مصالح آن ارث می برد، (روایات پنجم، هفتم و سیزدهم).

دسته بندی ۲ تایی: الف) روایاتی که زن مطلق از زمین (غیر منقولات) ارث نمی برد.
ب) روایاتی که به صورت خاص می گویند زن از ابنيه و اشجار و منقولات ارض، ارث می برد.

اشکال اول

• این است که روایات مخصوص آیه به سه نحو بیان شده و این مسئله منجر به اجمال روایات می‌شود و اگر به دلالت یک طایفه از روایات عمل شود؛ دو طایفه دیگر بدون دلیل کنار گذاشته شده است و اگر دلالت سه دسته قبول شود، اجمال در تخصیص لازم می‌آید، وقتی مخصوص مجمل شود، چون اصل عدم تخصیص است باید به هیچ کدام عمل نشود. به بیان دیگر مخصوص چون می‌آید و حکمی را تخصیص می‌زند و برخی از افراد را از حکم عام خارج می‌کند باید کاملاً گویا باشد و لیکن روایاتی که آیه اirth زوجه را تخصیص زده‌اند کاملاً گویا نیستند و سه بیان دارند که با هم متفاوت است اگر به همه آنها بخواهیم عمل کنیم اجمال دارد و نمی‌شود اگر به بعضی از آنها بخواهیم عمل کنیم بر فرض تساوی مرجحات، ترجیح بالامرجح است. پس بهناچار باید از عمل به آنها دست برداریم

اشکال دوم

• تعارض یک دسته از روایات با روایات دسته دیگر که با اطلاق یا عموم خود موافق ظاهر قرآن هستند. این روایات به عنوان مستند قول ابن جنید بیان شد. (روایت اول و دوم)

اشکال سوم

- تعارض برخی روایات با روایاتی که بین زوجه دارای فرزند و فاقد فرزند تفصیل قائل شده‌اند. (روایت اول و چهارم). یعنی این روایات با اطلاقشان شامل زوجه ذات ولد و غیرذات ولد می‌شود. در صورتی که این اطلاق صحیح نیست. زیرا در حالی که این روایات، به دلالت ظاهر بلکه صریح قرآن را تخصیص می‌زنند خودشان با روایاتی که نقل شد بر این که زوجه ذات ولد از تمام ماترک زوج ارث می‌برد، تخصیص زده شده است/

اشکال چهارم

- تعارض برخی روایات مثل روایت هشتم با آیات، زیرا در قرآن کریم آمده: «ولکم نصف ماترک ازدواجکم ان لم يكن لهن ولد فان لهن ولد فلكم الرابع مما تركتم من بعد وصيئه بها اودين» (نساء، ۱۲). (ربع ما ترك برای همسرانتان است، بعد از کسر وصیتی که به آن وصیت کرده باشند یا بدھی که داشته باشند، اگر فرزندی نداشته باشید، پس اگر فرزندی داشته باشید، ثمن ماترک شما برای همسرانتان است، پس از کسر وصیتی که به آن وصیت کردید یا بدھی که داشته باشید).

نحوه تعارض روایات با آیات به صورت تخصیص نیست، زیرا اگر مدلول روایات محرومیت این بود که یا از مجموع قیمت اموال غیرمنقول و عین اموال منقول می‌برد؛ تخصیص درست بود؛ ولی تخصیص روایات به گونه‌ای است که یا صدمه می‌بیند و بر همین اساس همه فقهاء نظر سید مرتضی را با احترام نقل کرده‌اند؛ زیرا با رقمی که قرآن در بحث سهام مشخص کرده با اینگونه روایات سازگاری ندارد والا نظر سیدمرتضی مثل قول ابن جنید متروک می‌شد. دلیل بیان نظر سیدمرتضی این است که چون مشکل مخصوص نبودن روایات یاد شده، برای ظهور قرآنی امری آشکار بوده ایشان آن را حل کرده است

- در برخی از روایات جمله: «فتعطى حقها منها» (روایت پنجم) «فتعطى ربها او ثمنها» (روایت هفتم) (فتعطى ثمنها او ربها) (روایت هشتم) (فتعطى نصيبيها من قيمة البناء) (روایات يازدهم) آمده که حق زوجه و نصیب وی از قیمت اجناس داده شود. شاید این بهترین قرنیه داخلی بر عدم محرومیت زوجه از عین و قیمت زمین و ساختمان باشد؛ زیرا با این قرنیه ظاهر آیه حفظ می‌شود، یعنی زوجه یا سهم الارث خود را می‌برد.

- بنابراین چون در روایات تأکید شده که حق و نصیب زوجه یا است، این بخش با ظاهر قرآن نیز موافق می‌باشد؛ لذا نادیده گرفتن این جمله‌ها و فتوی دادن به محرومیت زوجه از عین و قیمت زمین و ساختمان، اشکالی بدون پاسخ است.

اشکال آخر

روايات مورد استناد

۱- روایت ابن اذنیه

فی النسـا اذا كـن لـهـن ولـدـاعـطـ من
الرابع (حر عاملی، ج ۲۶، ص ۲۱۳) هرگاه زنان از شوهر متوفی
خود داری فرزند باشد از زمین ارث می بروند.

۲- در مقابل روایت ابن اذنیه، روایت از امام صادق(ع) داریم
که می فرمایند: مرد از زن و زن از مردش از هر چه بر جا
بگذارند ارث می برد.
این دسته از فقهها با جمع دو روایت، با روایاتی که مطلقاً زن را
محروم از عقار می دانند به قول تفصیل دست پیدا کرده اند.

ادله قول تفصیل و نقد
آن

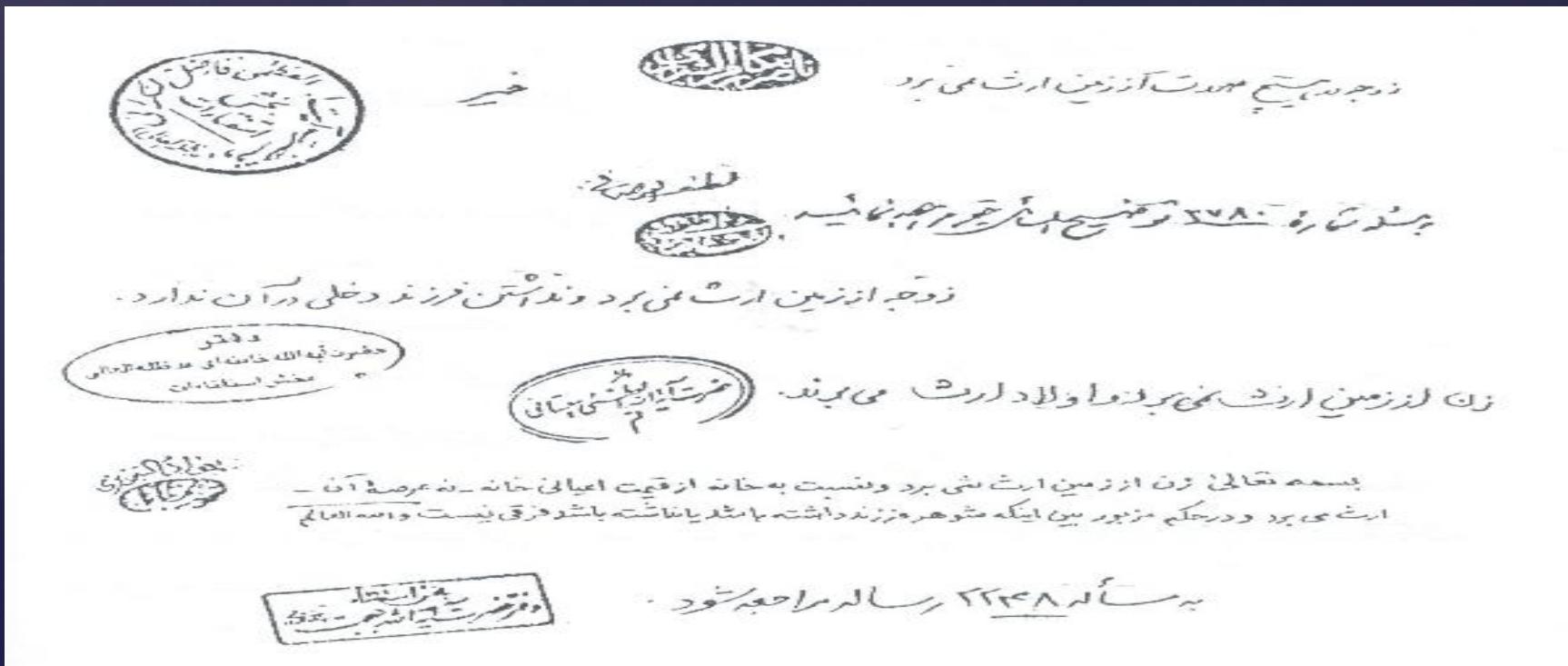
نقد ادله: شیخ طوسی روایت دوم را حمل بر تقیه کرده اند و
روایت اول را فتوای ابن اذنیه دانسته اند که فتوا مدرک قابل
استناد نیست و محرومیت زوجه از برخی ماترک زوج را جز
منحصرات شیعه دانستند.
نقد ادله ی نقد شیخ طوسی: ۱. دلیل حمل روایت به تقیه
چیست در حالی که روایت موافق ظاهر آیه است ۲. چرا مطلبی
که مخالف قرآن است باید جز متفرادات شیعه باشد؟

قانون مدنی

مجلس شورای اسلامی، در بهمن ماه ۹۴۶ (۱۳۸۷.ش) مواد ۹۴۸ و قانون مدنی ایران را اصلاح کرد. با این اصلاح و سهمیم کردن زوجه در قیمت زمین، تحولی چشمگیر در حقوق ارث زوجه از اموال شوهر به وجود آمد. این تحول، بیش از هر چیز مديون اظهار نظر صریح یکی از فقههای معاصر است که زمینه مناسب را برای ارائه طرح از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی فراهم ساخت. در قانون مدنی، مصوب سال ۱۳۰۷ (هـ.ش) به پیروی از نظر مشهور فقههای امامیه، زن از عین و قیمت زمین محروم است و تنها مستحق دریافت قیمت ابنيه و اشجار می‌باشد. با اصلاح مواد فوق، زمین نیز مشمول سهم زن از اموال شوهر شد. در عین حال، زن از قیمت اموال غیر منقول بهره‌مند می‌شود، اما از عین آن محروم است. هر چند در ماده ۹۴۸ اصلاحی نیز کماکان بر حق زن از استیفای از عین اموال غیر منقول، در صورت امتناع سایر ورثه از ادائی قیمت تأکید شده است،

فتوای مراجع عظام در مورد ارث زمین از عقار گروه اول

حضرات آیات : مکارم، زنجانی، وحید،
صفی، سیستانی، خویی، تبریزی، بهجت
محرومیت زوجه از عین یا قیمت زمین است.



گروه دوم

آیت الله شاهروodi و آیت الله خامنه ایی

جواب: نسبت به ارث همسر دائم در قووانی که از شوهر فرزند داشته باشد از عین ذنه مسکونی شوهر مانند سایر ورثه ارث من برد و جنایه فرزند نداشته باشد از قیمت زمین و ذنه مسکونی شوهر ارث من برد، همان طور که اگر میت باغ یا زمین یا ذنه‌ای برای تبارت داشته، همسر از عین آنها ارث من برد

تعدادی از بانوان با رهبر انقلاب دیدار داشتند، ایشان بیان فرمودند: « در همین مسأله ارث زن از زمین و غیر منقول نظر فقهی بعضی از بزرگان قدیم و امروز نظر فقهی ما هم همین است که آنچه منع از میراث شده عین است و قیمت آن بلاشک حق همسر و زوجه است و اشکال هم ندارد ». همچنین در دیدار ایشان با بانوان مجلس شورای اسلامی آمده است که: « مثل همین عقار که نظر من این است که زن از همه چیز ارث می‌برد و از قیمت . اگر از آن مرد فرزند داشته باشد از عین می‌برد این باید باید در قوانین ما »

لَهُمْ صَلَوةً عَلَى مُحَمَّدٍ

